به‌عنوان نماینده امام در سپاه نام برد. سه روز بعد نیز گردهمایی پاسداران انقلاب اسلامی با سخنرانی لاهوتی، ابراهیم یزدی و غلامعلی افروز برگزار شد. سپاه پاسداران حفاظت و نگهداری از مراکز مهم و تقابل با ضدانقلاب و نیروهای ساواکی را عهده‌دار شد. اعلام تأسیس سپاه از سوی دولت موقت و همچنین اعلام حجت‌الاسلام لاهوتی به‌عنوان نماینده امام در آن تشکیلات، بازتاب‌های متفاوتی در بین مردم و فعالان سیاسی و انقلابی به همراه داشت. شخصیت‌های تأثیرگذار انقلاب بویژه روحانیونی که عضو شورای انقلاب و جامعه روحانیت بودند، این اقدام را خطری بزرگ برای انقلاب اسلامی تلقی کردند؛ چراکه معتقد بودند با توجه به سیاست دولت موقت در برخورد با عوامل بازمانده از حکومت پیشین و نیز عناصر و جریان‌های ضدانقلاب، این اقدام انقلاب را با خطرات جدی و بزرگی روبه‌رو خواهد کرد.

■ تشکیل سه سپاه دیگر

عده‌ای از افراد مبارز که تصدی دولت موقت را قبول نداشتند، خود به تأسیس مجموعه‌هایی با عنوان «سپاه پاسداران» پرداختند. درواقع در کنار اقدامات دولت موقت، گروه‌های دیگری به طور جداگانه در تدارک تشکیل سپاه پاسداران تحت فرمان و نظارت امام برآمدند. آنها فعالیت‌هایشان را در سطحی محدود آغاز کردند و از فعالیت‌های یکدیگر هم اطلاع چندانی نداشتند. سه تشکل مزبور دارای دیدگاه مشابه بودند و هریک جداگانه برای خود پادگان، اسلحه، مهمات و امکاناتی فراهم آورده بودند. آنها می‌گفتند که سپاه نباید تحت‌نظر دولت موقت باشد.

اولین گروه، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» بود. این سازمان از دور هم آمدن و ادغام هفت گروه مبارز امت واحده، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین تشکیل شد. اعضای هفت گروه کوشش زیادی برای حفاظت از رهبر انقلاب به هنگام ورود به ایران و در ایام اقامت ایشان در مدارس رفاه و علوی انجام دادند و بسیاری از آنها جزو مؤسسان و فعالان کمیته‌های انقلاب و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی موجودیت و مواضع خود را در تاریخ ۱۶ فروردین ۵۸ در دانشگاه تهران اعلام کردند. آنها بر موضع رهبری امام و روحانیت اتفاق‌نظر داشتند و با دو انگیزه حراست از انقلاب به رهبری امام خمینی و مقابله با گروه‌های سیاسی با مشی مسلحانه نظیر سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدایی خلق، فرقان و... متحد شده بودند.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بعد از تشکیل رسمی سپاه، بخش نظامی خود را دراختیار سپاه قرار داد. از این گروه می‌توان به محمد بروجردی، محسن رضایی، محمدباقر ذوالقدر، مرتضی الویری و رحیم صفوی اشاره کرد. گروه دوم «پاسا (پاسداران انقلاب اسلامی)» با مدیریت محمد منتظری بود. مدتی پیش از آنکه دولت موقت طرح تأسیس گارد ملی یا سپاه را مطرح نماید، نیروهای انقلابی و مذهبی که دغدغه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی را داشتند، طرح تأسیس نهادی به‌عنوان بازوی نظامی انقلاب اسلامی داشتند. محمد منتظری در مبارزه سابقه طولانی داشت و پس از آزادی از زندان رژیم پهلوی مبارزات سیاسی و نظامی خود را در خارج از کشور ادامه داد و با مبارزان فلسطینی و لبنان پیوند خورد. او از همان روزهای آغازین انقلاب اقداماتی برای تأسیس سپاه انجام داد. منتظری گروهی از افراد آموزش‌دیده و مجرب در امور چریکی و مبارزه مسلحانه را به ایران آورد. منتظری بخشی از پادگانی را که در دوران رژیم پهلوی مرکز گارد شهربانی بود دراختیار گرفت، افراد مسلح خود را در آنجا اسکان داد و از انقلابیون و نیروهایی که در امور نظامی تجاربی داشتند دعوت به همکاری کرد. او از افسران فلسطینی برای آموزش و سازماندهی نیروها مشورت می‌گرفت و معتقد بود سپاه نباید وابسته به دولت موقت یا شورای انقلاب باشد و باید کاملاً مستقل عمل کند.

سیدمحمدکاظم بجنوردی و یوسف کلاهدوز در کنار محمد منتظری در اداره پاسا نقش داشتند. کلاهدوز تا آخرین لحظات حیات پاسا با محمد منتظری همکاری کرد و سپس از آن تشکل جدا شد و به سپاه اصلی پیوست. گروه پاسا نیز پس از حدود دو ماه‌واندی فعالیت بلافاصله پس از تأسیس رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تشکیلات جدید ادغام شد.

سومین گروه «پاسداران انقلاب» با مدیریت ابوشریف در پادگان جمشیدیه بود. اعضای این گروه نیز از مبارزان دوران رژیم پهلوی بودند و بسیاری از آنها در حزب ملل اسلامی عضویت داشتند. این گروه نیز تحت‌عنوان «سپاه پاسداران انقلاب» فعالیت می‌کرد و عناصر شاخص آن عباس آقازمانی معروف به ابوشریف، جواد منصوری، عباس دوزدوزانی و ابراهیم حاج محمدزاده بود. این جریان معتقد به مبارزه مسلحانه برای حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مقابله با توطئه‌های دشمنان مسلح از سوی رژیم پهلوی همچون کودتا و... بود.

این تشکل با آیت‌الله موسوی‌اردبیلی عضو شورای انقلاب مرتبط بود و اعتقاد داشت فعالیت آنها باید تحت‌نظر آن شورا و نه دولت موقت باشد. گروه مزبور برای خودش آموزش، گشت و گروه دستگیری ضدانقلاب راه انداخته بود. فعالیت گروه موسوم به ابوشریف در ایجاد بازویی نظامی برای حفاظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن چشمگیر بود. آنها از جمله تشکل‌ها و

گروه‌هایی بودند که داعیه ایجاد نیروی مسلح یا سپاه را داشتند و بسیاری از اعضای آن بعدها از مؤسسان و فرماندهان سپاه شدند. به گفته ابوشریف، نیروها و گروه او در خواباندن شورش‌های جنوب، تبریز، گنبد، خوزستان و سیستان‌وبلوچستان نقش مهمی داشتند.

■ ادغام سپاه‌ها

چهار تشکل مورد اشاره در بسیاری از امور امنیتی و نظامی نوپا و در مواقعی با یکدیگر تداخل کاری و مأموریتی پیدا می‌کردند. هر تشکلی خود را محق به انجام مأموریت نظامی می‌دانست، اما انسجام و هماهنگی بین آنها وجود نداشت. در صورت بروز مشکلات نیز مسئولان هر یک از تشکل‌ها خدمت امام می‌رسیدند و تحت عنوان مسئول یا فرمانده سپاه با امام دیدار می‌کردند. تداخل‌ها و موازی‌کاری‌ها موجب شد تا با اشاره امام خمینی(ره) موضوع ادغام به وجود آید. در نهایت جلسه‌ای با حضور محمد منتظری، ابوشریف، محمد بروجردی و محسن رفیق‌دوست برگزار شد. رفیق‌دوست در آن جلسه گفت: «سپاه قانونی سپاهی است که اینجا مطابق حکم امام تشکیل شده است، اما این سپاه دارد به انحراف می‌رود و مشکلات ما خود لاهوتی و ملی‌گراها هستند، لذا شما که اینجا هستید باید قبول کنید و بیایید در این سپاه ادغام شوید.» در آن جلسه با ادغام گروه‌ها موافقت شد.

موضوع ادغام در جلسه شورای انقلاب نیز مورد بررسی قرار گرفت و تصمیم گرفته شد حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی برای تحقق این هدف از هر تشکل سه نفر را به‌عنوان اعضای تشکیل‌دهنده سپاه به جلسه بررسی چگونگی ادغام و تشکیل رسمی سپاه دعوت کند.

> در آخرین روزهای فروردین ۵۸ روند تأسیس سپاه و ادغام مجموعه‌های موازی وارد مرحله نهایی شد. در جلسات علاوه بر مشارکت نمایندگان، گروه‌های چهارگانه که به گروه ۱۲ نفره شهرت یافته بودند افراد دیگری هم حضور داشتند و موضوعاتی چون تدوین و تنظیم آیین‌نامه و اساسنامه، تعیین شورای فرماندهی و ارکان اصلی سپاه مورد مشورت و تبادل نظر قرار گرفت

از تشکل تحت‌نظر دولت موقت محسن رفیق‌دوست، علی دانش‌منفرد و محسن سازگارا؛ از تشکل مستقر در جمشیدیه، عباس آقازمانی، عباس دوزدوزانی و جواد منصوری؛ از تشکل پاسا محمد منتظری، یوسف کلاهدوز و مهدی هاشمی و از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز مرتضی الویری، محسن رضایی و محمد بروجردی دعوت شدند تا در جلسات بحث و بررسی که حدود دو هفته به طول انجامید، شرکت کنند.

هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود آورده است: «اولین‌بار من با اینها در جمشیدیه تهران جلسه گذاشتم و برای سازماندهی بهتر توافق‌هایی کردیم و کمی بعد تشکیل این نیروی مردمی اعلام شد... البته برخی از اعضای دولت موقت و دوستانشان که معتقد بودند ما از این‌گونه مسائل آگاهی نداریم، در یک مقطع پیش از این خواستند به نیروهای اصیل انقلاب رودست بزنند، بنابراین سپاهی را تشکیل دادند و اداره آن را به نیروهای موردنظرشان سپردند، جلوی آن را به‌سرعت گرفتیم و با جمع کردن گروه‌های متفرق، سپاه اصلی را تشکیل دادیم. این کار با اشاره امام آغاز شد. بعد امام(ره) مرا مأمور کردند که آنها را سازماندهی کنم. بعد از من آیت‌الله خامنه‌ای رفتند و به سازماندهی و اداره سپاه پرداختند.»

به‌رغم آنچه هاشمی‌رفسنجانی بیان کرد، اما اعضای گروه‌ها نتوانستند در مورد اینکه سپاه زیرنظر دولت یا رهبری باشد به توافق برسند. محسن رضایی، محسن رفیق‌دوست و عباس دوزدوزانی به‌عنوان نمایندگان گروه‌های چهارگانه در اواخر فروردین ۵۸ به دیدار امام خمینی در قم رفتند تا حکم تعیین‌تکلیف سپاه را از ایشان بگیرند. به گفته حاضران در این دیدار امام برخلاف جهت‌گیری موردنظر دولت موقت که نیروهای مسلح زیرنظر دولت با مضمون «گارد ملی» را دنبال می‌کرد، ایجاد یک نیروی مسلح مکتبی مستقل از دولت موقت برای پاسداری از انقلاب اسلامی را مورد تأیید و تأکید قرار دادند و خطاب به حاضران در جلسه دستور تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زیرنظر شورای انقلاب را صادر کردند.

بنابراین در آخرین روزهای فروردین ۵۸ روند تأسیس سپاه و ادغام چهار مجموعه موازی وارد مرحله نهایی شد. در آن روزها جلسات ادغام خیلی فشرده برگزار شد تا هرچه زودتر تکلیف سپاه روشن شود. در جلسات مزبور علاوه بر مشارکت نمایندگان گروه‌های چهارگانه که به گروه ۱۲نفره شهرت یافته بودند و نیز حضور نماینده شورای انقلاب، سیدمحمدکاظم بجنوردی نیز به‌عنوان ناظم جلسه حضور می‌یافت و موضوعاتی چون تدوین و تنظیم آیین‌نامه و اساسنامه، تعیین شورای فرماندهی و ارکان اصلی سپاه مورد مشورت و تبادل نظر قرار می‌گرفت.

■ انتخاب اولین فرمانده و شورای فرماندهی سپاه

پس از تصویب اساسنامه قرار شد یک شورای فرماندهی و یک فرمانده از بین حاضرین در جلسه انتخاب شود. در آن جلسه جواد منصوری به عنوان اولین فرمانده سپاه انتخاب شد. سرانجام در روز یکشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۵۸، شورای انقلاب با نظر مثبت امام خمینی (ره)، جمعی از بنیانگذاران چند سپاه موجود را با هدف اینکه سپاه در نهایت یک نیروی مستقل از ارتش و دولت و زیر نظر شورای انقلاب خواهد بود، احکام اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تهیه و ابلاغ کرد.

براساس این احکام، جواد منصوری به سمت فرماندهی و عباس آقازمانی فرمانده عملیات، یوسف کلاهدوز به سمت مسئول واحد آموزش،